

## The social role of the family in building trust with the approach to the teachings of Nahjolbalagheh

Seyyed Mahdi Hosseini<sup>۱</sup>; Seyyed Hasan Ghalibafan<sup>۲</sup>; Mohammad bagher akhondi<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> M.A in Muslim Social Science and University of Birjand, Iran.

hosseini۲۱۳@yahoo.com

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities ,University of Birjand, Iran.

ghalibafan@birjand.ac.ir

<sup>۳</sup> Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities ,University of Birjand, Iran.

akhondi@birjand.ac.ir

### Abstracts

The family is the smallest social unit and at the same time the largest and most influential educational unit. So this institution can be a source of great personal and social development and growth of human values among its members. This seemingly small social unit is the building block of society and the heart of the most intimate and the most powerful agent of socialization of children. It enables basic trust in people and develops it to the other levels groups and institutions of society and it transfers many of the issues and concepts related to social trust to children. The purpose of this paper is to study the impact of family on social trust based on of Imam Ali (PBUH) in Nahjol balagheh. To achieve this goal was used qualitative research methods such as content analysis. The findings suggest, the family as a social institution and linking people have when the real work, dedication, spirituality and having features such as imprinting, positive relationships, compatibility, mutual understanding can be created and ... and strengthening effective social trust.

**Key words:** Family, Social trust, Imam Ali (PBUH), Nahjol balagheh.

## نقش خانواده در ایجاد اعتماد اجتماعی با رویکرد به آموزه های نهج البلاغه<sup>۱</sup>

۱. سید مهدی حسینی،<sup>۲</sup> سید حسن قالیبافان،<sup>۳</sup> محمدباقر آخوندی

کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)

hosseini213@yahoo.com

آستادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه بیرجند، ایران.

ghalibafan@birjand.ac.ir

آستادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه بیرجند، ایران.

akhondi@birjand.ac.ir

### چکیده

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال بزرگترین و تاثیرگذارترین واحد تربیتی به شمار می آید، به گونه ای که این نهاد می تواند منشأ تحولات عظیم فردی و اجتماعی و رشد ارزشهای انسانی در میان اعضای آن باشد. این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، خشت بنای جامعه و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و مهمترین و قوی ترین عامل اجتماعی کردن کودکان تلقی می شود که قادر است اعتماد اولیه را در افراد ایجاد و آن را به سایر سطوح، گروه ها و نهادهای جامعه گسترش دهد و بسیاری از مسایل و مفاهیم مرتبط با اعتماد اجتماعی را به کودکان منتقل نماید. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش و تاثیر خانواده بر اعتماد اجتماعی از دیدگاه حضرت علی(ع) در نهج البلاغه بوده و روش پژوهش، تحلیل محتوی می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد، خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی و پیوند دهنده افراد، در صورت دارا بودن کارکرد واقعی، تعهد، معنویت و داشتن ویژگی هایی هم چون نقش پذیری، روابط مثبت، سازگاری، درک متقابل و... می تواند در ایجاد و تقویت اعتماد اجتماعی موثر باشد.

**واژگان کلیدی:** خانواده، اعتماد اجتماعی، امام علی(ع)، نهج البلاغه.

<sup>۱</sup> این مقاله در "چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی" نیز ارائه شده است. (قم: دانشگاه قم، بهار ۱۳۹۷)

## مقدمه و بیان مسأله

انسان موجودی اجتماعی است که برای رسیدن به رشد معنوی، دفاع از خویش، تأمین نیازهای عاطفی، محبت و سایر نیازمندی‌ها، ناگزیر به ارتباط با دیگران است و او را گریزی از جامعه نیست. اما آماده شدن برای زیستن در اجتماع، ابتدا از خانواده شروع می‌شود. خانواده، اساس و بنیان جامعه است که با پیمان ازدواج پایه‌گذاری می‌شود و این زوجین هستند که ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند، خانواده محل آسایش و آرامش و آب راه کوچکی است که فرد را به اقیانوس جامعه پیوند می‌دهد. سلامت، استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های لازم در جهت سازندگی و پیش‌گیری از درگیری‌ها، تضادها و کجروی‌هاست. بدون شک، نابسامانی‌های اجتماعی در بسیاری از موارد ناشی از نابسامانی در خانواده است و سعادت یک اجتماع بستگی کامل به وجود خانواده‌های سالم و سعادتمند دارد. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴)

نقش و موقعیت خانواده در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این نهاد با بسیاری از مسایل و دغدغه‌هایی که مورد توجه و محور بحث جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی است، موجب شده است که همواره خانواده به عنوان یک منبع مهم اعتماد اجتماعی در پژوهش‌های گوناگون مورد بررسی و تحلیل واقع شود. اعتماد اجتماعی به عنوان عاملی که مقوم و تضمین‌کنندهٔ حیات اجتماعی مردم یک جامعه است، در ارتباط با عملکرد و روابطی که در خانواده حاکم می‌باشد، قرار می‌گیرد. در حقیقت نقش خانواده در پژوهش اجتماعی و ایجاد فرهنگ مناسب برای زندگی در جامعهٔ مدنی و پرورش روحیه شهروندی که به اصول و مبانی جامعهٔ مدنی معتقد باشد، بسیار حیاتی است. تحقیقات نشان می‌دهد که تا سنین دوازده سالگی رشد اجتماعی کودکان و نوجوان صرفاً محدود به چرخهٔ خانواده است. از طریق خانواده، بسیاری از مسایل و مفاهیم مرتبط با اعتماد اجتماعی به کودکان منتقل می‌شود (شیخی، ۱۳۷۸، ص ۶۸). در این خصوص نحوه و میزان ارتباط والدین و فرزندان، می‌تواند در ارتقاء و رشد اعتماد اجتماعی مؤثر باشد، همان طوری که سهل‌انگاری خانواده در جامعه‌پذیری نسل جوان و پیروی از نظام ارزشی موجب ضعف و کاهش اعتماد اجتماعی می‌گردد. بنابراین خانواده که همواره نقشی مهم در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های جامعه ایفا می‌کند، می‌تواند با ابزار، قابلیت‌ها و روابطی که در آن وجود دارد، در جهت ایجاد، حفظ و تقویت اعتماد اجتماعی عمل کند. اما امروزه خانواده به عنوان اولین و عمده‌ترین عامل هنجارپذیری و محل شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری با مسایل و مشکلاتی روبروست که از جملهٔ آن می‌توان به کاهش اعتماد میان اعضای خانواده اشاره کرد که در نهایت به کاهش اعتماد اجتماعی منجر خواهد شد. زیرا به اعتقاد کارشناسان مسایل اجتماعی، اعتماد و یا بی‌اعتمادی در سطح خرد (خانواده) قابلیت گسترش و سرایت به سطوح بالاتر جامعه را دارد. (سمیعی، ۱۳۸۷، ص ۹۴)

متأسفانه نتایج پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان، موج اول و دوم، سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ نشان می دهد که ۱۰ درصد اعضای خانواده ها به هم کم اعتماد بوده اند که ادامه این وضعیت می تواند جامعه را در بلند مدت دچار بحران های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نماید. حال این سؤال مطرح می شود که خانواده چگونه می تواند در ایجاد و تقویت اعتماد اجتماعی تأثیر گذار باشد؟ یا خانواده اعتمادساز دارای چه ویژگی هایی است؟ بر این اساس، پژوهش حاضر سعی دارد با بازخوانی متن نهج البلاغه و با رویکردی جامعه شناختی، عوامل اعتماد آفرین را شناسایی و زمینه بسط و گسترش آن را در نهاد خانواده تبیین نماید.

### ضرورت و اهمیت موضوع

خانواده واحد بنیادی جامعه است که نقش منحصر به فردی در تکون شخصیت و هویت واقعی افراد و به ویژه فرزندان دارد. خانواده هم می تواند موجبات انحراف، شقاوت و آسیب های اجتماعی، از جمله بی اعتمادی را رقم بزند و هم می تواند زمینه های هدایت، سعادت و اعتماد را که ستون سلامت اجتماعی محسوب می شود، فراهم نماید. علی رغم اهمیت خانواده و نقش آن در زمینه اعتماد اجتماعی، این موضوع با رویکرد دینی (جامعه شناختی) و استفاده از سیره و الگوی اجتماعی امام علی (ع) کمتر مورد بررسی و عنایت لازم قرار گرفته است. لذا ضرورت دارد با مراجعه به متن نهج البلاغه که منبعی غنی و بی نظیر در خصوص مسایل اجتماعی و دینی است به راهکارهای بسیار اساسی، پایدار و جامع برای برون رفت از مشکلاتی چون بی اعتمادی اجتماعی دست یابیم. مضافاً به اینکه این کتاب دینی و معنوی که بزرگترین مرجع در مسایل اجتماعی نیز می باشد، می تواند ابعاد تازه ای از علوم اجتماعی را به روی ما بگشاید و نیز مبنای نظری ویژه ای را در خصوص خانواده و اعتماد اجتماعی در اختیار ما قرار بدهد و خلأ نظری در این زمینه را پر نماید.

بنابراین اهمیت و ارزش پژوهش حاضر در این است که با نگاه جامعه شناختی، نقش و تأثیر خانواده را در جهت جلوگیری از کاهش اعتماد اجتماعی و روشهای تقویت آن را به استناد نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است تا بتوانیم راه رسیدن به اهداف کلان در سطح جامعه را هموار ساخته و بر بسیاری از بحران های اجتماعی فایق آئیم.

### پیشینه پژوهش

هر پژوهشی در ادامه پژوهش های پیشین به انجام می رسد: زیرا کسی نمی تواند مدعی باشد که توان علمی اش او را از خوشه چینی از دستاوردهای دیگران بی نیاز می سازد. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۱، ص ۶۸)

جستجو در پایگاه های اطلاعاتی و تحقیقات مختلف نشان داد پژوهشی داخلی که به طور خاص و مستقل به این موضوع بپردازد، وجود ندارد و تنها تعدادی پژوهش تقریباً مرتبط یافت شد که به اختصار به آن اشاره می کنیم.

سمیعی (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان «اعتماد اجتماعی و خانواده» به بررسی مفهوم اعتماد اجتماعی و رابطه آن با مفهوم چند وجهی و نهاد اجتماعی مهمی، مانند خانواده می پردازد و به این نتیجه می رسد که خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش پایدار و تعیین کننده ای در شکل گیری رفتار، افکار و شخصیت افراد و هم چنین ارتقای اعتماد اجتماعی دارد. بنابراین اگر می خواهیم جامعه ای با اعتماد داشته باشیم، باید به محیط های خانواده، توجه بیشتری داشته باشیم و شرایط لازم برای کاهش اضطراب ها و دل نگرانی ها و افزایش ایجاد حس اطمینان و آرامش را در میان اعضا آن ایجاد کنیم.

قاسمی و کاظمی (۱۳۸۷)، تحقیقی را با موضوع «تحلیلی جامعه شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی» انجام دادند، که یافته های این پژوهش، حاکی از این است که بین حجم سرمایه انسانی، نوع خانواده و میزان وقت صرف شده والدین برای فرزندان، رابطه معناداری وجود دارد.

تحقیقی دیگر توسط فاضل و دیگران (۱۳۹۰)، تحت عنوان «سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر قم) انجام گرفته است که به این نتیجه می رسند، متغیرهای مقبولیت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، اقتصادی و دین داری به صورت فزاینده و متغیرهای خشونت خانوادگی، روابط استبدادی والدین و نظارت شدید خانوادگی به صورت کاهنده بر سرمایه اجتماعی خانواده مؤثراند. فراز و فرود سرمایه اجتماعی در خانواده، بیشتر متأثر از عوامل برون خانوادگی و اجتماعی است، چرا که تغییرات اجتماعی و محیطی بر ساخت های کوچکتر از جمله، خانواده مؤثر بوده اند. بنابراین، برای جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی خانواده، باید مراکز و نهادهای آموزشی، فرهنگی، حمایتی، رفاهی، امنیتی و بهزیستی، نقش خود را به خوبی ایفا نمایند.

پژوهشی با عنوان «نقش وفاداری در اعتماد آفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات» توسط نقیبی و زمانی (۱۳۹۰) صورت گرفته است، که ما حاصل آن این بوده است که بین وفاداری و اعتماد پیوند وثیقی وجود دارد، بدین شکل که یکی از راه های ایجاد و حفظ اعتماد، وفاداری است. چنانچه رابطه زوجین، براساس معیارهایی چون وفاداری، مودت، محبت پذیری، صداقت باشد، اعتماد و اطمینان شگرفی میان طرفین ایجاد می شود که این اعتماد، در بردارنده آثار فراوانی خواهد بود که آرامش درونی زوجین، انس و الفت میان آنها و تربیت صحیح فرزندان از جمله برکات آن به شمار می آید.

مطابق جستجوهای علمی انجام شده و برحسب توضیحات پیش گفته، شاید بتوان مدعی شد که در حوزه جامعه شناسی، موضوع رابطه خانواده و اعتماد اجتماعی با رویکرد برون دینی کمتر مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات بسیار اندک است و مضافاً به اینکه اکثر این پژوهش ها، از بکارگیری روش کیفی بی بهره اند، لذا می طلبد که در بررسی پدیده های اجتماعی چند وجهی مانند خانواده، از روشهای تحقیق کیفی استفاده نمائیم.

چرا که پژوهش کیفی ضمن اینکه به پژوهشگر امکان می دهد که با آزمودنی ها به زبان خود آن ها و در همان شرایطی که در آن قرار دارند، تعامل داشته باشد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده ها نیز از روش های انعطاف پذیرتری استفاده می کند و پدیده های تحت مطالعه را از دیدگاهی جامع نگر مورد ملاحظه قرار می دهد. (حریری، ۱۳۸۵، ص ۵)

### روش تحقیق

روش این پژوهش تحلیل محتوا و تفسیری است. زیرا در پی ارائه یک فرضیه و آزمون آن نیست. ابتدا با مطالعه نهج البلاغه مطالب و سخنان مرتبط به بحث انتخاب می شود و پس از آن با استفاده از تفاسیر نهج البلاغه سعی می شود تا آن مطالب را در حد ممکن فهم و در قالب مفاهیم و ساختارهای موجود در ادبیات جامعه شناسی ارائه کنیم.

### مفاهیم کلیدی

دو مفهوم محوری و اصلی این نوشتار (خانواده و اعتماد اجتماعی) نیازمند توضیح و تعریف است که به اختصار به آن اشاره می شود.

#### ۱- خانواده

اصطلاح خانواده را می توان در معنای مجموع اسلاف، اخلاف و خویشان جانبی و والدین متعلق به یک دودمان و یا جمع زوجین و فرزندان آنان که اولین سلول یا واحد حیات طبیعی-اجتماعی را تشکیل می دهند به کار برد (آلن بیرو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۰). در نهج البلاغه نیز با تعبیرهایی چون اهل، آل و عشیره به خانواده اشاره شده است. (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸)

خانواده از نگاه جامعه شناسان نخستین و مهم ترین «نهاد اجتماعی» دانسته می شود. به همین دلیل چگونگی ارتباطات و روابط اعضای خانواده با یکدیگر در حقیقت پایه های شخصیتی و الگوهای رفتاری انسان را شکل می دهد. هر چند تمامی جامعه شناسان بر اهمیت خانواده در حیات اجتماعی تأکید دارند، در عین حال این مفهوم، هنوز از پرابهام ترین مفاهیم این علم است. مک آیور معتقد است که "خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص است که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر گردد" (سارو خانی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵). لوی می نویسد: «خانواده واحدی اجتماعی است که براساس ازدواج پدید آید» (همان، ص ۱۳۶). از نظر بروس کوئن «خانواده از گروهی از آدم ها ترکیب می شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می کنند». (بروس کوئن، ۱۳۹۳، ص

(۱۳۷)

تعاریف فوق به لحاظ ملاک های مورد توجه محقق که ریشه در نوع جامعه مورد بررسی و چارچوب و مبانی نظری او دارد، به طور دقیق معرف خانواده نیست. چنانچه در تعریف خانواده، همانند سایر مفاهیم اجتماعی، پیش فرض های نظری و محیط اجتماعی دخیل باشد، می توان براساس کلام حضرت علی(ع) که خانواده را به عنوان یک نهاد تأثیرگذار و جایی که باورها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای افراد شکل می گیرد، مورد توجه قرار داده اند و هم چنین بر مبنای اندیشه های اجتماعی اسلام و جامعه ایرانی و با توجه به نقش ها و کارکردهای خانواده، تعریف ذیل را ارائه نمود:

«خانواده نخستین هسته زندگی اجتماعی انسان است که بنیان آن صرفاً قرارداد اجتماعی نیست بلکه مبتنی بر نیاز فطری و برخاسته از عمق روح انسان است. نیاز به سکونت و آرامش روحی بین دو جنس مخالف از طریق عقد قراردادی خاص، نخستین حلقه زندگی اجتماعی را شکل می دهد و وظایف و نقش های ویژه ای را برای طرفین به ارمغان می آورد. این هسته اجتماعی با هسته های مشابه مربوط به خود (والدین و فرزندان و دیگر اقوام نسبی و سببی) پیوندی انسانی، عاطفی و حقوقی دارد.» (آقاجانی، ۱۳۸۱، ص ۵۳)

#### ۲- اعتماد اجتماعی

اعتماد مهم ترین انگیزه ای است که افراد را به داشتن ارتباط متقابل تشویق می نماید و روابط اجتماعی را در سطوح مختلف گسترش و تعمیق می بخشد. اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار رفته است (عمید، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱). در زبان لاتین نیز اعتماد، معادل کلمه ایمان به کار رفته است. ارائه یک تعریف مشخص و قطعی به دلیل مترادف های بسیاری که برای آن وجود دارد، مشکل است. در عین حال می توان آن را برآیند و ماحصل انگیزش و محرکی برای شکل گیری روابط اجتماعی دانست. اعتماد اجتماعی مستلزم معیارهایی چون صداقت مشهود، عینیت، ثبات، شایستگی، انصاف و تمام آن چیزهایی است که روابط افراد را براساس عمل مداوم به این ملاک ها تداوم و وسعت می بخشد. (زین آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۲)

اندیشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی، تعاریف و تفسیرهای مختلفی از مفهوم اعتماد ارائه کرده اند و هر کدام ابعاد جداگانه ای از این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند که به برخی از آنها اشاره می شود: گیدنز، اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء به نوعی کیفیت یا صفت و یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته ای توصیف می کند. به اعتقاد وی مفهوم اطمینان و اتکا با هم مرتبط می باشند. (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۷)

جیمز کلمن، اعتماد را وارد کردن عنصر خطر در کنش با دیگران دانسته و اعتماد را با مخاطره در ارتباط می داند. نیکلاس لوهمان «اعتماد را به معنی مطمئن بودن درباره کنش های احتمالی دیگران در آینده تعریف می کند و می گوید اعتماد با مفهوم مخاطره و ریسک در ارتباط است به اعتقاد وی کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش می دهد.» (لوهمان، ۱۹۷۹، ص ۱۰، به نقل از امیر کافی، ۱۳۷۴، ص ۱۱)

فرانسیس فوکویاما «اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است تعریف می کند». (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

پیوتر زتومکا (۱۹۹۰م) اعتماد و اعتماد کردن را نوعی استراتژی مهم در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل آینده می داند. (زتومکا، ۱۳۹۰، ص ۵۰)

در یک جمع بندی کلی می توان اشتراکات این تعاریف را این چنین برشمرد:

- ۱- اعتماد در روابط اجتماعی شکل می گیرد و تقویت می شود.
- ۲- اعتماد اکتسابی است و در جریان جامعه پذیری پدید می آید و قابلیت انتقال به نسل های بعدی را دارد.
- ۳- حسن ظن نسبت به افراد جامعه عنصر کلیدی اعتماد به حساب می آید.
- ۴- اعتماد واقعی اجتماعی و فرهنگی است.
- ۵- اعتماد در شرایط و وضعیت مخاطره آمیز وجود دارد.
- ۶- اعتماد متضمن نوعی انتظار است.

#### سطوح اعتماد

اعتماد به سه صورت خود را نشان می دهد یا به عبارتی دیگر، سه نوع است:

#### سطح خرد (اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا)

اعتماد در سطح خرد یعنی در روابط شخصی و فردی بسیار حایز اهمیت است. این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان و خویشان خود دارد اصولا اعتماد فرد در خانواده و داخل گروه های صمیمی و نزدیک به وی شکل می گیرد. براساس نظر اریکسون (روانشناس مشهور) رشد اعتماد فرد در خانواده و بر اساس ارتباطات وی با اعضای خانواده و به منظور رفع نیازهایش توسط اعضای خانواده ایجاد می شود و به سایر افراد و گروه های دیگر گسترش پیدا می کند. (زین آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

اعتماد در سطح خرد به سه سطح تقسیم می شود:

#### ۱-۱- اعتماد عاطفی

این اعتماد به اطمینان و علائق مشترک با اعضای خانواده مربوط است. این اعتماد مبنا و شکل دهنده سایر روابط اعتمادی فرد با دیگران است.

#### ۱-۲- اعتماد ارتباطی با خویشان

این اعتماد در برگیرنده سطح اطمینانی است که فرد به اقوام و خویشان خود دارد.

#### ۱-۳- اعتماد ارتباطی با دوستان



این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می شود که فرد با دوستان خویش دارد. جیمز کلمن نماینده این سطح به حساب می آید. (همان، ص ۳۷)

## ۲- سطح میانی ( اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان )

اعتماد در سطح عام و عمومی به سطح اطمینانی مربوط می شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آنهایی که نمی شناسد دارد، به عبارتی اعتماد به غریبه هاست. این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. (همان، ص ۳۸-۳۷)

نماینده این سطح آنتونی گیدنز است.

## ۳- سطح کلان ( اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان ها و نهادها)

در سطح کلان اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می شود. این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت ها و اقدامات دولت مربوط می گردد. نماینده این سطح فرانسیس فوکویاما است که با رویکردی اقتصادی به تبیین اعتماد می پردازد. (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

ماحصل نظریات این متفکران اجتماعی هم چون کلمن، گیدنز و فوکویاما این است که اعتماد در جامعه و در درون گروه ها شکل می گیرد. آنها در ایجاد اعتماد نقش بالایی را برای خانواده قایل هستند. اما سؤالی که در نزد این صاحب نظران مطرح شده این است که آیا اعتماد قابلیت سرایت و انتقال را دارد یا اینکه براساس ارزیابی از شرایط ایجاد می شود. روانشناسان اجتماعی معتقدند، نگرش ها، گرایش ها و ارزیابی ها قابلیت انتقال و گسترش را دارند. در واقع بدبینی و خوش بینی والدین قابلیت انتقال به فرزندان را هم دارد. بر این اساس می توان گفت: اعتماد اجتماعی به عنوان نوعی از وجهه نگرش و شخصیت فرد می تواند بین نسل ها و افراد انتقال یابد. (سمیعی، ۱۳۸۷، ص ۹۹)

جیمز کلمن معتقد است که در روابط اعتمادی حداقل دو طرف وجود دارد، یکی اعتماد کننده و دیگری امین یا اعتماد شونده (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۱۵۲) بنابراین در تحلیل اعتماد در خانواده، باید به این دو سطح عنایت داشت. از این رو اعتماد در داخل خانواده ها را می توان در ابعاد مختلفی چون اعتماد زن و شوهر به یکدیگر، اعتماد والدین به فرزندان، اعتماد فرزندان به والدین و اعتماد فرزندان به یکدیگر، تصور نمود.

## خانواده اعتماد آفرین

خانواده مانند هر نهاد اجتماعی کارکردهای خاص خود را دارد. مسئولیت پذیری، تعهد و وفاداری، عشق و صمیمیت، تربیت فرزندان و ارائه الگوها و هنجارهای اخلاقی و رفتاری از مهم ترین کارکردهای خانواده محسوب می شود. کارآمدی و اعتماد-آفرینی خانواده به میزان موفقیت در این زمینه ها بستگی دارد.

افزون بر آن رعایت اصول و ارزش‌ها در انتخاب همسر هم‌چون اصالت خانوادگی، اخلاق، دین‌داری، کفویت، محبت و علاقه که در فرهنگ اسلامی به آن تأکید شده است، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است.

کامیابی یا شکست در آن، در زندگی آینده تأثیر بسزایی دارد. همسر خوب و ایده آل، زندگی را قرین آرامش و آسایش می‌کند و زمینه را برای پرورش استعدادهای درونی و ترقی و تعالی آماده می‌سازد بر عکس، شکست در آن موجب اختلال در کارکردهای خانواده شده و سبب بروز رفتارهای نابهنجار و ناسالم در خانواده می‌گردد. (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰) پس از این مقدمه کوتاه به مواردی که اعضای خانواده باید آنها را رعایت نمایند تا اعتماد در خانواده ایجاد و به جامعه منتقل گردد، به طور اجمال اشاره می‌نمائیم.

#### ۱- تعهد و وفای به عهد

یکی از عوامل مقوم اعتماد در خانواده و هم‌چنین در روابط اجتماعی انسان‌ها، وفای به عهد و پیمان است. تعهد و پایبندی به عهدی که در قالب ازدواج بین همسران بسته شده است، پایه و اساس رشد اعتماد در خانواده است. یکی از مشکلاتی که امروزه خانواده‌ها با آن درگیر هستند، مسأله عدم پایبندی به تعهدات توسط همسران است. آمار بالای آسیب‌های خانواده به صورت طلاق، ناسازگاری بین زن و شوهر و روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده، خسارت‌های معنوی و اخلاقی زیادی به خانواده وارد می‌کند (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲). شکستن عهد سبب آسیب دیدن اعتماد در درون خانواده و یا جامعه می‌شود در حالیکه در سایه وفای به عهد، آسودگی، امنیت، رحمت و حفاظت برای خانواده و اجتماع حاصل می‌شود که از عوامل انباشت سرمایه اجتماعی و اعتماد است. امام علی (ع) در خطبه ۴۱ نهج البلاغه وفا را همزاد راستی و سپهری نگهدارنده می‌دانند. اگر ایفای تعهد ضروری تلقی نشود، زندگی اجتماعی قطعاً از هم گسیخته و مختل خواهد شد. این فلسفه روشن و آشکار، ضرورت وفای به تعهد در نظم حیات اجتماعی انسان‌ها را بیان می‌دارد. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۵۳۲)

امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که به تعهدات خود عمل نکند، خدا را به یقین باور نکرده است» (همان، ص ۱۶۳) هم‌چنین در جایی دیگر می‌فرماید: «پیمان‌ها همانند بند و زنجیر تا روز واپسین برگردن آدمی قرار دارد. آن کس که این بند را به خود می‌بندد، در واقع خود را به خدا پیوند داده است و آن کس که این پیمان را نقض می‌کند، خداوند خوارش گرداند. (همان، ۱۶۴) در ادای حقوق و عمل به تعهدات خانواده یک ملاک بیشتر نیست و آن اینکه همسران هر کدام خود را میزان و وسیله سنجش قرار دهند. حضرت علی (ع) نیز در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران هم مپسند.»

عمومیت این آموزه‌ها شامل روابط درون خانواده نیز می‌شود. تعهد به پیمان در خانواده، مقوله بسیار گسترده‌ای است که تعهد همسران به یکدیگر را از یکسو و تعهد آن‌ها نسبت به فرزندان و نیز فرزندان نسبت به والدین را از سوی دیگر در برمی‌گیرد.

#### ۲- صداقت و راستگویی

صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است که در آموزه‌های اسلامی از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک‌بختی انسان شناخته شده است. پیشوای صادقان و مولای متقیان، علی (ع) صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت معرفی کرده و از راستگویی به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی نام برده است. (فاضلی کبریا، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹)

اگر پنهان کاری و یا دروغ در خانواده رسوخ پیدا کند درجه اعتمادورزی خانواده بسیار کم می‌شود و مهم‌ترین چیزی که می‌تواند نشان دهنده صداقت باشد این است که افراد به گفتارشان عمل کنند. صداقت به منزله یک پل ارتباطی است که موجب جلب اعتماد زن و شوهر و باعث میل و رغبت بیشتر طرفین برای هم صحبتی با یکدیگر می‌شود، زیرا اطمینان قلبی می‌یابند که هیچ یک از آن دو به دیگری دروغ نمی‌گویند. بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اختلافات خانوادگی ناشی از بی‌صداقتی و ناخالصی است. (محدثی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۷)

صداقت جاذبه میان زوجین را نسبت به هم بیشتر می‌کند، هر قدر روابط فی‌مابین آنها بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و با صفاتر می‌شود و فرزندان پرنشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند. بنابراین صداقت و راستی در فضای خانواده موجب اعتماد اعضا به یکدیگر و گسترش آن در سطح جامعه می‌شود و تا زمانی که صداقت و یکرنگی نباشد نمی‌توان اعتماد را ایجاد کرد.

### ۳- حسن ظن

روابط اعضای خانواده، بدون نگرش مثبت و مبتنی بر اعتماد و خوش‌بینی معنا نمی‌یابد. اگر حسن ظن متقابل زن و شوهر وجود نداشته باشد، علاوه بر این که هر دو طرف را در مشقت‌ها و زجرهای گوناگون فرو خواهد برد، زندگی آنان منطبق حقیقی خود را از دست خواهد داد و در این صورت، زندگی تصنعی نخواهد گذاشت، طعم حیات معقول را بچشند (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۲۲۷). نخستین ثمره شوم بدگمانی، عدم اعتماد است و هنگامی که اعتماد از میان برود، همکاری غیر ممکن می‌شود و سرمایه اجتماعی نیز از بین رفته و آرامش جامعه نیز بر هم می‌خورد.

خوش‌بینی یکی از عواملی است که به ارتقاء کیفیت زندگی خانوادگی کمک می‌کند. حسن ظن از مؤلفه‌های شکل دهنده اعتماد به دیگران است و در زندگی خانوادگی نیز اطمینان‌بخش و اعتماد آفرین است و هیچ چیز به اندازه مثبت‌اندیشی از رنج انبوه مشکلات نمی‌کاهد، لذا یکی از آسیب‌های اعتماد، بدبینی است. در این خصوص امام علی (ع) ثمرات خوش‌بینی را این گونه بازگو می‌نماید: «خوش‌بینی سبب راحتی دل و سلامتی دین است». (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

بدیهی است انسان خوش بین از نگرانی‌ها رهایی می‌یابد، لذا خوش‌بینی از موانع گناه و ارتکاب به جرایم و یک روش مطلوب در پیشگیری از فروپاشی خانواده است. در خانواده‌ای که به واسطه حسن‌ظن، اعتماد حکم‌فرماست، همدلی، همکاری و تعاون وجود دارد و آثار و برکات آن در زندگی نمودار می‌شود.

### ۴- محبت، مودت و رحمت

این مؤلفه سبب ارتباط قوی بین همسران و فرزندان و نهایتاً تحصیل اعتماد بین آنها می‌شود. اصل اساسی در حفظ خانواده و اجتماع رشد سرمایه‌های آن، چون لطف، محبت و رحمت به یکدیگر است. محبت بنای زندگی زوجین را استوار و روابط را ریشه‌دار می‌نماید و در پرتو دوستی‌ها، احساس اطمینان بیشتر می‌شود.

در آموزه‌های دینی عشق و محبت زن و شوهر یک ودیعه الهی است؛ در سوره روم آیه ۲۱ نیز آمده است: «جعل بینکم موده و رحمه»، ولی این محبت باید به صورت آشکار ابراز شود، چرا که در صورت ابراز نکردن آن ممکن است حقیقت محبت از ناحیه دیگری دریافت نشده و در نتیجه روابط زن و شوهر آن‌گونه که بایسته است شکل نگیرد، لذا ابراز عشق تنها وظیفه یک طرف نیست، بلکه طرفینی است. بنابراین ابراز محبت و عشق در مناسبات زناشویی که از آن به اصل مودت (دوستی عاقلانه و نه دوستی غریزی) یاد می‌شود، از راهبردهای آفرینش و توسعه اعتماد در خانواده است. (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۲)

مهم‌ترین عامل دوام و رشد خانواده، روابط عاطفی و محبت بین اعضای آن است. رفتار و گفتار محبت‌آمیز همسران با یکدیگر موجب آرامش خانواده و سلامتی روح و روان فرزندان خواهد شد. روابط سازنده و محبت‌آمیز که بر پایه تکریم شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل باشد، افراد را در برابر انحراف‌ها ایمن می‌کند.

## ۵- مسئولیت پذیری

همین که فرد تشکیل خانواده می‌دهد در حقیقت از حالت فردی خارج گشته و مسئولیتی اجتماعی را می‌پذیرد که در قبال تک تک اعضای خانواده خود را مسئول می‌داند و هر یک از زن و مرد باید وظایف خود را در خانواده به عهده بگیرند. مدیریت تأمین معیشت، برنامه‌ریزی و تعیین اهداف و ارزش‌های کلی خانواده، جزو مهمترین وظایف و نقش‌های مرد در نظر گرفته شده است و مهم‌ترین وظایف زن در قبال همسر، سازگاری، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی همسر و تلاش در جهت حفظ منابع مالی خانواده است. در مورد فرزندان نیز، افزون بر ارضای نیازهای زیستی و عاطفی به مسأله تربیت و انتقال ارزش‌ها و تجربه‌های فردی توصیه شده است. علی (ع) به عنوان پدری مهربان خطاب به فرزندش او را به ترس از خدا، آباد ساختن دل به یاد او و عبرت‌گیری از گذشتگان توصیه کرده است (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). بنابراین، یکی از نکات مهم در نهج‌البلاغه این است که زن و مرد وظایف و نقش‌های نسبتاً متفاوتی دارند و کارآمدی و اعتمادآفرینی خانواده، افزون بر موضوعات دیگر، تحت تأثیر فرایند نقش‌پذیری قرار می‌گیرد (آذربایجانی، شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶). علی (ع) معتقد بود، آسیب وقتی در کارکرد خانواده به وجود می‌آید که زن و مرد هر کدام از پذیرش نقش‌های خود در خانواده سرباز زنند. (همان، ص ۱۵۶)

## ۶- معنویت

یکی از مؤثرترین و اصلی‌ترین عوامل ایجاد اعتماد در خانواده، ایمان به دین و رعایت تقوای الهی توسط اعضای خانواده است. نظم و ایمان اعتماد را در افراد خانواده نهادینه می‌کند به همین دلیل است که هیچ ارزش اخلاقی دیگری به اندازه تقوا مورد سفارش حضرت علی (ع) قرار نگرفته است.

تقوا و نظم، خانواده را از هرج و مرج در امان می‌دارد و زمینه افزایش اعتماد را فراهم می‌آورد. با رجوع به نامه ۳۱ نهج‌البلاغه مشاهده می‌کنیم از نظر حضرت علی (ع) خانواده زمانی از آسیب‌ها مصونیت پیدا می‌کند که شرایط معنوی در خانواده ایجاد شود. معنویت در روابط، به مسئولیت‌پذیری و برنامه‌ریزی در خانواده کمک می‌کند. اساسی‌ترین مکانیزم پرورش معنویت در خانواده از سوی والدین است. والدین باید استعدادهای معنوی فرزندان را شکوفا نمایند. به نظر حضرت، زندگی بدون معنویت ارزشی ندارد، بنابراین هر نوع پیشرفتی در خانواده بدون معنویت به تعالی و رشد آن کمک نخواهد کرد.

## نتیجه گیری

آنچه به ایجاز تقریر گردید، اشارتی گذرا به نهج البلاغه و تفاسیر آن در خصوص موضوع خانواده و اعتماد بود که به نتایج زیر منجر شد:

- خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی که باورها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای افراد در آن شکل می گیرد در صورت برخورداری از ویژگی هایی چون تعهد، معنویت، نقش پذیری، عدالت و انصاف می تواند به تقویت اعتماد اجتماعی کمک کند. اعتماد اجتماعی در بستر ارزشهای اخلاقی از جمله درستکاری، صداقت، وفای به عهد و ادای امانت و انصاف و عدالت شکل می گیرد.

- بنیان خانواده بر اساس آموزه های علوی بر محور منطق، اعتدال، عدالت، ایثار و محبت و رحمت و معنویت استوار است.  
- صداقت پایه اعتمادسازی است و خانواده ای که در آن راستگویی و صداقت حاکم باشد بی اعتمادی در آن جایی نخواهد داشت.

- روابط سالم و سازنده براساس مبانی دینی، زمینه ساز اعتماد در خانواده است.  
- بین سلامت اجتماعی با سلامت اخلاقی و معنوی در خانواده رابطه تنگاتنگی وجود دارد و کاهش سلامت معنوی باعث از هم پاشیدن خانواده می شود.

- براساس تعالیم علوی ازدواج و تشکیل خانواده ارتباط دو فرد محسوب نمی شود بلکه یک عمل جمعی و جزو مناسک اجتماعی است که اعتماد نیز در این ظرف (خانواده) تحقق می یابد.

- وفاداری و پای بندی به تعهدات توسط اعضای خانواده، پایه و اساس رشد اعتماد در خانواده است.  
- حسن ظن متقابل زن و شوهر از مؤلفه های شکل دهنده اعتماد در خانواده است که می تواند به جامعه نیز انتقال یابد.  
- محبت، رحمت و خیرخواهی باعث تعاون و همکاری در بین اعضای خانواده و بوجود آمدن اعتماد می گردد.

## منابع

\*نهج البلاغه (۱۳۸۹). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات قیام.

۱. آذربایجانی، مسعود، شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳). روانشناسی در نهج البلاغه، مفاهیم و آموزه ها. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۱). مشارکت پذیری اعضای خانواده. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۶. ص ۵۳.
۳. امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد (پژوهشگری علوم اجتماعی). دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). حکمت اصول سیاسی اسلام، ترجمه و تفسیر فرمان مالک اشتر. تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۵. حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تهران: نشر و فرهنگ اسلامی. ج ۱-۲.
۷. زتومکا، پیوتر (۱۳۹۰). اعتماد: نظریه جامعه شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ سوم.
۸. زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). *تئوری و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه*. در: مجموعه مقالات اعتماد اجتماعی. گردآوری صالحی امیری. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. سمیعی، زهره (۱۳۸۷). *اعتماد اجتماعی و خانواده*. در: مجموعه مقالات اعتماد اجتماعی. گردآوری صالحی امیری. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۳). همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی. قم: انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، چاپ نهم.
۱۲. شیخی، محمدتقی (۱۳۷۸). عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی - فرهنگی و فاصله نسل ها. عمومی، شماره ۱۷-۱۶ ص ۶۸.
۱۳. فاضل، رضا و دیگران (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل مؤثر بر آن - مطالعه موردی شهر قم. *مطالعات جامعه شناختی ایران*، شماره ۲. ص ۴۱-۵۴.
۱۴. فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه؛ رویکردی مدیریتی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلام عباس توسلی. تهران: نشر جامعه ایرانیان.
۱۶. قاسمی، وحید، کاظمی، مهری (۱۳۸۷). *تحلیلی جامعه شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی*. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۱. ص ۲۱۸-۱۸۹.
۱۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیاد نظریه های اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۱۸. کوئن، بروس (۱۳۹۳). *درآمدی به جامعه شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا. چاپ سی و یکم.

۱۹. کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر نی.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
۲۱. محدثی، جواد (۱۳۷۹). *اخلاق معاشرت*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۲. نقیعی، سید ابوالقاسم، زمانی، زری (۱۳۹۰). *نقش وفاداری در اعتماد آفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات*. *مطالعات راهبردی زنان*، سال سیزدهم، ش ۵۲. ص ۵۳-۷.